

یگنائی او

✽ مفهوم صحیح یگانگی خدا

✽ ذات خدا عین هستی است

✽ بی نهایت در بی نهایت

یکی از مباحث های آزمایش ادیان صحیح و باطل معرفیهائی است که از خدا و صفات خداوند میکنند، مخصوصاً بحث توحید یعنی « یگانگی خدا » میدان خوبی برای این آزمایش است ما در اینجا مفهوم صحیح «توحید» را طبق استدلالات مختلفی تشریح نموده‌آنگاه باین موضوع رسیدگی میکنیم که کدامیک از مذاهب و ادیان کنونی جهان توحید خالص و خالی از هرگونه شرك را با آنهمه باریک بینی و موشکافیهای لازم بمال انسانی عرضه داشته است.

نخستین بحث صفات سلمی خداوند همین بحث توحید و یگانگی خداست و همین بحث است که برتگاه بزرگی برای بسیاری از پیروان ادیان مختلف شده، و مختصری غفلت و کوتاه نظری، آنها را بدره خطرناك شرك پرتاب ساخته است.

اول باید دید اینکه میگوئیم «خداوند یگناویگانه است» یعنی چه؟ مفهوم صحیح این جمله را در دو قسمت باید جستجو کرد: نخست اینکه: «هیچگونه شبیه و نظیر و مانندای برای ذات بی پایان خدا تصور نمیشود» دوم اینکه: «ذات خدا مرکب از اجزائی نیست و هیچگونه ترکیبی در ذات او امکان ندارد».

درست در دو جمله بالا دقت کنید مفهوم صحیح توحید که مافلا بدنبال آن میرویم اینهاست. اما اینکه بعضی میگویند: «توحید یعنی خداوند یکی است و دوتا نیست» ممکن است برای افرادی که استعداد بیشتری برای درک صحیح توحید واقعی نداشته باشند

توحید محسوب شود ، ولی برای افراد فهمیده این عبارت قطعاً بوی شرك میدهد زیرا این قسم توحید را که « توحید عددی » مینامند ، و خدا را يك فرد (نقطه مقابل دوفرد) معرفی میکنند مستلزم اینست که خدا را يك مفهوم کلی تصور کنیم که دارای يك فرد بیش نیست مثلاً میگوئیم خورشید در آسمان یکی است و دو تانیست ، یعنی خورشید يك مفهوم کلی دارد که افراد متعددی برای آن متصور است ولی فعلاً يك فرد بیشتر از آن در آسمان وجود ندارد ، اما تصور افراد دیگری هم برای آن ممکن است .

البته تصدیق میفرمائید که اینگونه عقیده درباره ذات مقدس خداوند ، گمراهی و اشتباه محض است و مفهوم صحیح توحید همان است که در بالا اشاره شد و آن اینست که برای خداوند هیچگونه شبیه و نظیر و مانند متصور نیست ؛ ذات مقدس او هیچگونه جزء ترکیبی ندارد و از هر نظر یگانه است .

اکنون که این حقیقت را دانستیم باید دلایل توحید را بررسی کنیم . بطور کلی علاوه بر استدلالات نقلی که بعداً بآنها اشاره خواهیم کرد از سه راه دیگر مامیتوانیم توحید خالص را ثابت کنیم :

۱- از راه فطرت

۲- از راه استدلالات فلسفی و کلامی

۳- از راه علوم تجربی

ولی برای درک این استدلالات قبلاً توجه بدو موضوع کمال ضرورت را دارد و بدون توجه باین دو موضوع بسیاری از بحثهای آینده ناقص و ناتمام خواهد ماند : نخست اینکه بدانیم : « ذات خداوند عین وجود و هستی است » دوم اینکه : خداوند وجودی است بی نهایت از هر جهت . منظور اصلی ما فلائبات این دو نکته است .



ذات خدا عین هستی است

برای اثبات این حقیقت راه ساده ای در پیش داریم ، ما از ادله وجود خدا این مطلب را دریافتیم که تمام موجودات این جهان پهنادر از وجود او سرچشمه گرفته و مخلوق هستی او هستند و هستی او مخلوق دیگری نیست یعنی هستی از وجود او میجوشد و عبارت دیگر هستی او از خود اوست ! . این مطلب را نیز تشریح کردیم که چگونه همه چیز در این جهان مخلوق و معلول هستند و او . (مخلوق و معلول موجود دیگری نیست دقت کنید)

این موضوع که هستی خداوند از خود اوست بما میفهماند که ذات او « عین هستی »

و « هستی مطلق » است . بدلیل اینکه اگر هستی عین ذات او نباشد ، بلکه ذات او چیزی باشد که هستی بر آن عارض شده است نتیجه اش این میشود که ذات او از « هستی و نیستی » هردو خالی است ، یعنی هستی و نیستی برای ذات او یکسان است و چون چنین است باید عامل دیگری هستی یا نیستی را باو بدهد و برای اینکه وجود پیدا کند باید هستی را از خارج از وجود خود دریافت دارد ، بدیهی است در این صورت نمیتواند هستی بخش عالم وجود و علت اولیه جهان خلقت بوده باشد ؛ بلکه او هم بنوبه خود مملول علت دیگری خواهد بود . بعبارت دیگر چیزی که عین هستی و وجود نیست حتماً وجودش از دیگری است و چنین چیزی نمیتواند خود بخود وجود داشته باشد بلکه باید از دیگری تحصیل وجود و هستی کند ، تنها وجود محض و هستی مطلق است که وجود او از خود اوست و عین وجود است . بد نیست در اینجا برای نزدیک ساختن مطلب بذهن يك مثال از محسوسات که هضم آن برای فکر ما از همه چیز آسانتر است بزنیم ، گرچه اینگونه مثالها در باب شناسائی خدا که فوق این جهان است هرگز نمیتواند حقیقت را بطور صحیح و کامل در ذره : ما ترسیم کند اما برای نزدیک ساختن مطلب تا اندازه قابل استفاده است .

فرض کنید مانگه با طاق خود در روز میکنیم می بینیم روشن است ، البته این همان اطلاقی است که در شب تاریک بوده والان آفتاب تابیده و روشن شده است . پس اطاق ما از خود روشنی ندارد و از جای دیگر کسب نور میکند ؛ دنبال این سرچشمه نور میرویم تا می رسیدیم به چشمه خورشید می بینیم که آن هم روشن است در عین حال ممکن است يك روز خاموش و تاریک شود (چنانکه پیش بینی میکنند) پس خورشید هم روشنائی از خود ندارد و روشنی آن از جای دیگر است ، روشنائی خورشید از کجاست ؟ از « نور » است . اما روشنائی « نور » از کجاست ؟ اینجاست که باید بگوئیم از خود اوست ، نور عین روشنائی است و روشنائی عین ذات نور است .

خلاصه هستی مطلق عین ذات خداست و ذات خدا عین هستی است (باز هم دقت کنید)

بی نهایت در بینهایت

اکنون که دانستیم ذات خدا عین هستی است باید بدانیم که يك هستی نامحدود و لا یبتناهی از جمیع جهات است ، زیرا نهایت داشتن بمعنی ناقص بودن و ناقص بودن بمعنی آلوده بودن بدم است .

میگوئیم عمر ما محدود است یعنی پایان دارد ، یعنی يك زندگی محدود آورده بدم است ؛ تا صد سال ملاحظت و بعد از آن نیست . اگر عمر ما محدود نبود آلودگی بدم

هم نداشت .

وقتی دانستیم خداوند عین هستی است ، وهستی مطلق هیچگونه مناسبتی با «عدم ونیستی» ندارد ، بنا بر این نتیجه میگیریم که ذات او هیچگونه محدودیت و هیچگونه آلودگی بعدم ندارد .

بیادرت دیگر : ذات خدا از نظر علم ، قدرت ، ازلیت ، ابدیت ، حیات و بقا و . . . از همه جهت نامتناهی است ، زیرا این اوصاف همه بازگشت وجود وهستی میکنند ، علم یکنوع هستی ؛ قدرت یکنوع هستی است و همچنین . دو این صورت باید اعتراف کنیم ذاتی که عین هستی است و هیچگونه قیدی ندارد (البته هر قیدی دو برابر هستی جنبه عدمی خواهد داشت) دارای تمام این کمالات بصورت نامحدود است و ذات او نامتناهی از جمیع جهات است .

یک بار دیگر این بحث را مطالعه فرمایید و دنباله سخن را در شماره آینده مطالعه خواهید فرمود .

دکتر سید محمد جزائری

از آبادان

نکته‌ای مربوط به هزار سال پیش

در کتاب توحید مفضل نقل شده که از امام صادق علیه السلام پرسیدند:
« چرا رنگ آسمان آبی و برگ درختان سبز است ؟ »

فرمود : « بهترین رنگها برای چشم رنگ آبی آسمانی و سبز است و از همین لحاظ است که آنها یک نوره چشم یعنی دید آنها کم است مقداری آب در خمره های آبی با سبز میریزند و با آنها دستور میدهند که مدتها در آن خمره ها نظاره نمایند باشد که عیب چشمان برطرف گردد » .

امروز هم برای جلوگیری از نور شدید آفتاب و برای دید بهتر چشم عینک استعمال میشود این عینکها باید برنگ طبیعت باشد یعنی آبی ، سبز و دودی که بازم قسمتی از فضا بهمین رنگ است آیا ایندرك کنونی غیر از آنست که امام بزرگوار شیعیان در پاسخ آن دانشمند اهنبائی کرده است ؟